



**Francis Bacon**

دانشجو : فاطمه صفویه

معرفت شناسی پایه و اساس هر نظام فلسفی یا نظام معرفتی است. یکی از پرسشهای مهم پیش روی معرفت شناسان کنونی راههای دست یابی به معرفت و شناخت موانع آن می باشد. بحث در رابطه با موانع معرفت جایگاه مهمی در فلسفه به خود اختصاص داده که اوج آن در اندیشه های فرانسیس بیکن تجلی یافته و با قاطعیت می توان گفت که او تلاشهای زایدالوصفی در این زمینه نموده . فرانسیس بیکن با اعتقاد به شناخت طبیعت برای کسب معرفت الهی ، خطاهای ذهنی و باورهای غلط را مانع مهمی در رسیدن به معرفت می داند. او در این زمینه چهار مانع یا بت را معرفی می کند و راه حلهایی را برای شناسایی و دوری از آنها ارائه می نماید.

معرفت شناسی علمی است که درباره شناختهای انسان ، ارزشیابی انواع معرفت، تعیین ملاک صحت و خطای آن و و توجیه علوم و امکان یا عدم امکان آن بحث می کند . رایج ترین و در عین حال ریشه دارترین تعریفی که از شناخت ارائه شده است «باور صادق موجه» است.

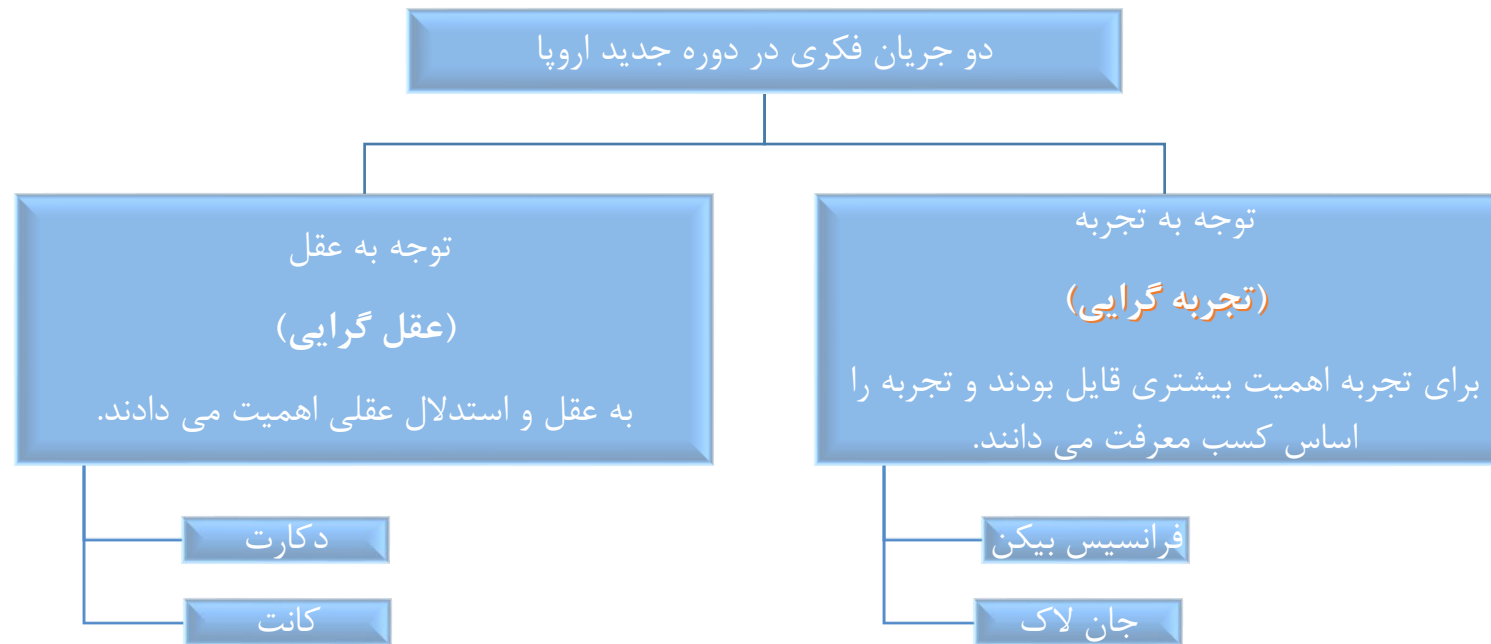
# تاریخ فلسفه را میتوان به دوره های زیر تقسیم کرد:



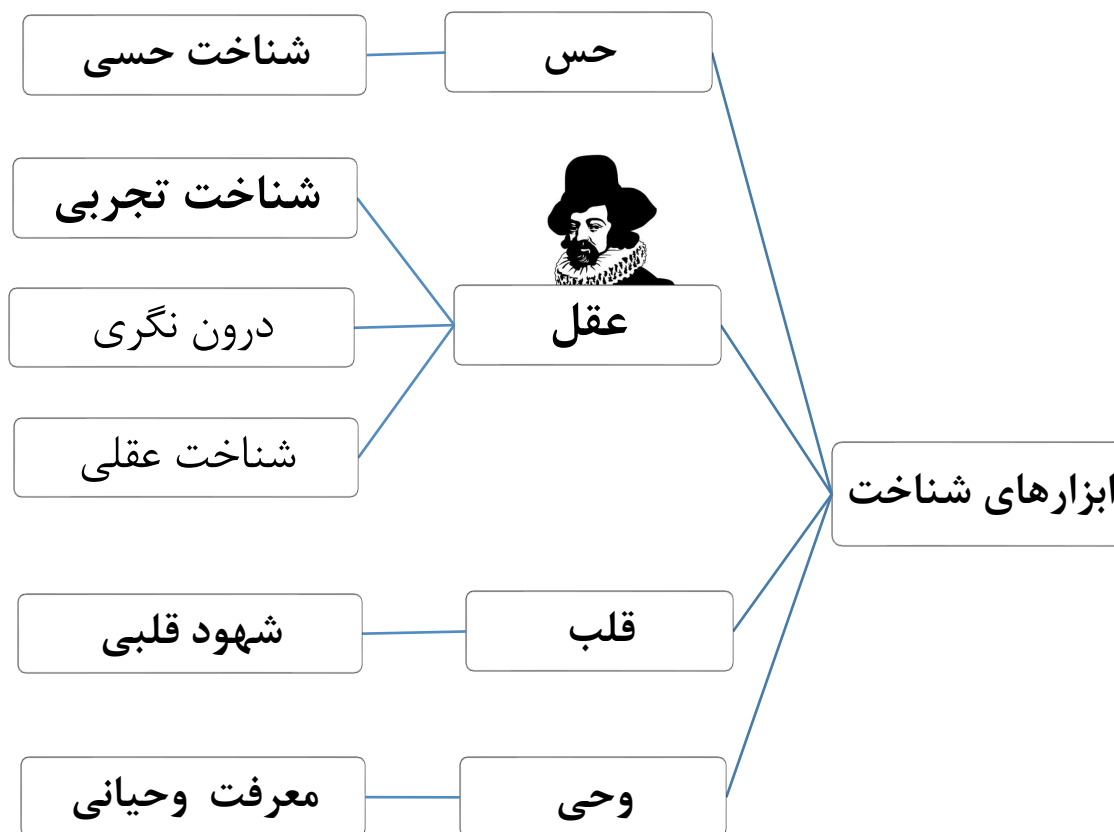
# معرفت شناسی در دوره جدید اروپا (دوره ای که از قرن ۱۶ آغاز و تا کنون ادامه دارد)

- خروج تدریجی اروپا از حاکمیت کلیسا
- گسترش علوم تجربی
- وقوع تحولات زیاد در حوزه های مختلف اجتماعی از جمله سیاست و فرهنگ و فلسفه

تحولاتی که در این دوره در بخش معرفت شناسی فلسفه اتفاق افتاده



محدوده شناخت	ابزار وحی	ابزار قلب	ابزار عقل	ابزار حس	
عالم طبیعت (امور محسوس)				*	شناخت حسی
عالم طبیعت (امور محسوس)			*	*	شناخت تجربی
کسب یافته های سودمند درباره کل هستی			*		شناخت عقلی
مشاهده اموری که با چشم ظاهر دیده نمی شود از راه تزکیه نفس مثل آخرت		*			معرفت شهودی
آشنایی با بسیاری از حقایق جهان	*				معرفت وحیانی



# توجه به تجربه



فرانسيس بيكن ۱در سال ۱۵۶۱ ميلادی در لندن به دنيا آمد و در کمبریج تحصيل کرد. وی در مناصب قضایی تا مرتبه ديوان عالی انگلستان پیش رفت. بيکن آثار متعددی تأليف کرد، از جمله: «پيشرفت دانش»، «ارغنون جديد» و «جنگل جنگل ها». او در سال ۱۶۲۶ از دنيا رفت.

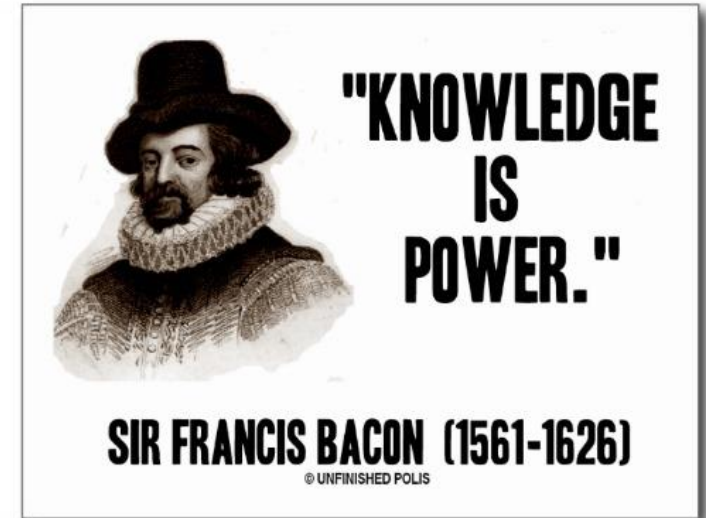


رنه دکارت ۲در سال ۱۵۹۶ در تورن فرانسه چشم به جهان گشود و در مدرسه‌ای به نام لافلش تحصيل کرد. وی در منطق، ریاضیات و فلسفه مطالعاتی جدی انجام داد. کتاب‌های «رساله عالم» «رساله گفتار در روش»، «تأملاتی در فلسفه اولی» و «اصول فلسفه» از جمله آثار اوست. وی در سال ۱۶۵۰ درگذشت.

دوره جدید فلسفه در اروپا که از قرن شانزدهم با پیشگامی **فرانسيس بيکن** و **دکارت** آغاز و به معرفت شناختی توجه ویژه ای شد و از این دوره به بعد، مسئله معرفت شناسی در کانون مباحثات فلسفی اروپا قرار گرفت. در این بحث و جدال فلسفی، نزاع بر سر این بود که در کسب معرفت، آیا حس و تجربه ارزش و اعتبار بیشتری دارد و بهتر ما را به حقایق میرساند یا استدلال عقلی؟ گروهی که برای تجربه ارزش بیشتری قائل بودند و آن را اساس کسب معرفت می دانستند به تجربه گرایان مشهور شدند. **بيکن از نخستين فيلسوفانی بود که بر اهمیت حس و تجربه اصرار می ورزید و به اصالت تجربه معتقد بود.** به نظر بيکن فيلسوفان گذشته با دنباله روی از ارسطو، بیشتر بر استدلال عقلی تکیه کرده بودند و همین امر سبب شده بود که علوم تجربی در خرافات و تعصبات بی جا محصور بماند و پیشرفت نکند. پس از وی فيلسوفان دیگری مانند جان لاک، فيلسوف قرن هفدهم انگلستان، نیز روش او را دنبال کردند و بر تجربه گرایی تأکید ورزیدند.

1. Francis Bacon
2. René Descartes

- حدود ۴۰۰ سال قبل زندگی می کرد
- از برجسته ترین فیلسوفان انگلستان در دوره رنسانس محسوب میگردد.
- در زمینه های علم و سیاست و حقوق و مذهب ، آموزش و تعلیم و تربیت آثار ارزشمندی به جای گذاشت.
- او از بنیانگذاران انقلاب علمی در جهان است ، انقلابی که به پایان سلطه کلیسا بر تفکر و اندیشه ورزی معروف است.
- او را پدر تجربه گرایی می دانند.



فرانسیس بیکن ، به عنوان بزرگترین متفکر این دوره، فرماندهی عقل را بر جهان معرفت سزاوار دانست و اعلام کرد آنچه از طریق حواس و تجربه به دست آید، یعنی دانش «استقرایی»، معرفتِ درست است! زیرا ما را قادر می کند که بر طبیعت سلطه پیدا کرده، به نیازهای انسان پاسخ دهیم. او با اندیشه‌ی ارسطویی که مبتنی بر قیاس بود به مخالفت پرداخت و تفکر ارسطو را باطل اعلام کرد.

فرانسیس بیکن از پدیدآورندگان و پیشروان «تجدید حیات فرهنگی» اروپا به شمار می رود او سعی کرد در برابر منطق متعارف زمانش - یعنی منطق ارسطویی و مشایی - منطق جدیدی را ارائه کند و بدین منظور کتاب «ارغنون نو» را نگاشت. او خلاف جریان زمانه اش حرکت کرد و با پشت کردن به نظامهای علمی و فلسفی رایج عصر خود، توانست در دنیای علم و فلسفه انقلابی به پا کند. اما با وجود همه این تلاشها در تاریخ فلسفه، فلسفه ای تحت عنوان «فلسفه بیکن» شکل نگرفت، ولی می توان مدعی شد که او مسیر اندیشه بشر را عوض کرد و افکار عالمان و اندیشمندان بعد از خود را در جریان جدیدی هدایت کرد.

فرانسیس بیکن، با به نقد کشیدن فلسفه و منطق حاکم زمانش سعی کرد تا بشر عصر خود را از خواب قرون وسطایی بیدار سازد و سایه سنگین فلسفه کهن را از سر او بردارد. وی تمام نظامهای فلسفی، اعم از فلسفه کهن و معاصر خود را بی حاصل انگاشت و سعی کرد آن را از حالت خمود و جمود رها سازد و این تجدید فلسفی خود را «احیای کبیر» نامید. غایت او در این راه اصلاح تمام علوم و معارف بشری بود و امید داشت که با اجرای این طرح، فلسفه ارسطو را کنار زند. از نظر وی فلسفه ارسطو، که اندیشه مسلط زمانه اش بود، دردی از بشر دوا نمی کند و تنها در امر منازعات و مجادلات قوی و مؤثر ظاهر می شود که هیچ حاصلی برای بشر و زندگی او ندارد.



پیامبر علم جدید و بنیانگذار «فلسفه علم»

در این کتاب او می گوید ما نمی توانیم مجهولات را بوسیله قیاس (جزء اصلی منطق ارسطو) حل کنیم بلکه باید هر مجهول را با تجربه و مشاهده بسیار به جزئیات تقسیم کرد و سپس با استقرا پی به مجهولات برد.





طرح بیکن که مطابق با اصول و طبقه بندی جدیدی از علوم ریخته شده بود، شامل شش بخش بود:

(۱) باید از مبادی علوم سخن گفت و طبقه بندی کاملی از علوم ارائه کرد. او بر این اساس دو کتاب «پیشرفت دانش» و «منزلت دانش» را نگاشت که این دو اثر محتوی بخش اول طرح او هستند.

(۲) باید روش تحقیق جدید و اصول و قواعد فن جدید «تفسیر طبیعت» را شناخت. به باور بیکن، این روش باعث می شود تا بشر از «خرد» خود هرچه بهتر و کاملتر برای شناخت جهان پیرامونش بهره گیرد و در نتیجه بر مصائب و ابهامات طبیعت فائق آید. بیکن این روش را «منطق جدید» نامید و بر اساس آن کتاب «ارغنون جدید» را نوشت و مدعی شد که در برابر ارغنون ارسطو، منطق جدیدی را ارائه کرده است و عقیده داشت که این اثر محتوی روش و منطق جدید او و حاوی پیامش برای بشریت و عامل تأثیر وی بر اخلاقش است.

(۳) باید برای تاریخ طبیعی و تجربی اهمیت قائل شد. بیکن تاریخ طبیعی را «تاریخ پایه» نامید و آن را اساس و بن مایه فلسفه راستین دانست. به این معنا که به وسیله آن فلسفه موهوم از فلسفه فعال متمایز می شود و مسائل مربوط به طبیعت به مشورت خود طبیعت واگذار می گردد. و براساس این طرح خود آثار بسیاری را تدوین کرد که از آن جمله می توان به کتابهای «درآمدی بر تاریخ طبیعی و تجربی»، «الفبای طبیعت»، «تاریخ مرگ و زندگی»، «تاریخ سبک و سنگین» و «تاریخ طبیعی در ده قرن» اشاره کرد.

(۴) طرح چهارم بیکن «پلکان خرد» است که نشان دهنده درجه پیشرفت دانش حقیقی بشر است که به تدریج از اصول کلی به اصول کلی تر و بنیادی تر پیش می رود.

(۵) دربخش پنجم می گوید که می بایست به «فلسفه جدیدی» دست یافت که پاسخگوی ابهامات و سؤالات بشر درباره چیستی جهان و طبیعت باشد و کتاب «پیش بینی های پیشگامان فلسفه جدید» را بدین منظور به رشته تحریر درآورد.

(۶) ششمین و آخرین بخش از طرح بیکن مبتنی بر این بود که فلسفه جدید باید توان این را داشته باشد که «علم پویا» را به بشر عرضه کند.

# فلسفه بیکن

در کل اصل فلسفه وی اینست که راه تحصیل علم وهستی شناسی عبارت است از :

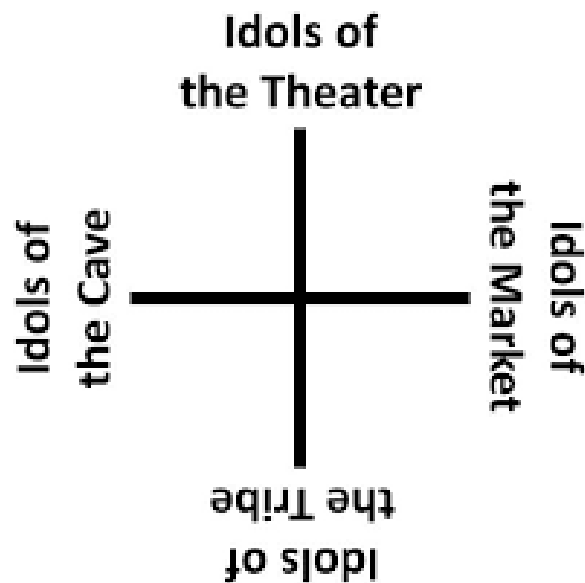
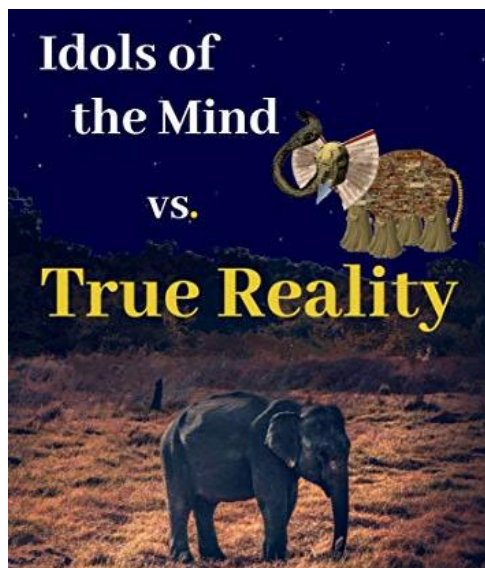
- مشاهده در مورد طبیعت
- تجربه اندوزی برای جمع اوری اطلاعات
- تعقل و استقرا(در حقیقت بجای قیاسکه ارسطو به ان اصالت میداد، استقراء را وارد میدان کرد).

بیکن معتقد بود پیشینیان با استدلالات بی ماخذ و مبنی بر تخیلات و موهومات بدنبال شناخت هستی بودند. انها بجای توجه به محسوسات ومشهودات ، صرفا قیاس را ماخذ قرار دادند و از جزئیات غافل مانده اند.وی معتقد بود راه رهایی، سلطه بر طبیعت است .هستی امری ملموس و مادیت که با روش ازمون و خطا شناخته میشود و انسان باید هستی را کامل شناخته و بر ان مسلط شود و خود بر هستی حاکم شودو و برای اینکار باید کاملا به خصوصیات اجسام اگاه شد تا بتوان انها را مطابق خواست بشر تغییر داد برای اینکار هم باید مشاهده و تجربه و دقت فراوان در جزئیات و استقراء را بکار برد.



# موانع فکری انسان در رسیدن به حقیقت و شناخت از منظر بیکن

برای ما که به موضوع شناخت علاقمندیم نظریات بیکن جایگاه ویژه ای پیدا می کنند، او بیش از ۴ قرن پیش بر این موضوع تاکید کرد که ذهن برای ادراک جهان گرفتاری هایی دارد و این گرفتاری ها را با عنوان بت‌های فکری مطرح کرد (بت‌های ذهنی همان محدودیتها و آسیب‌هایی است که ما را از درست اندیشیدن باز می دارد)



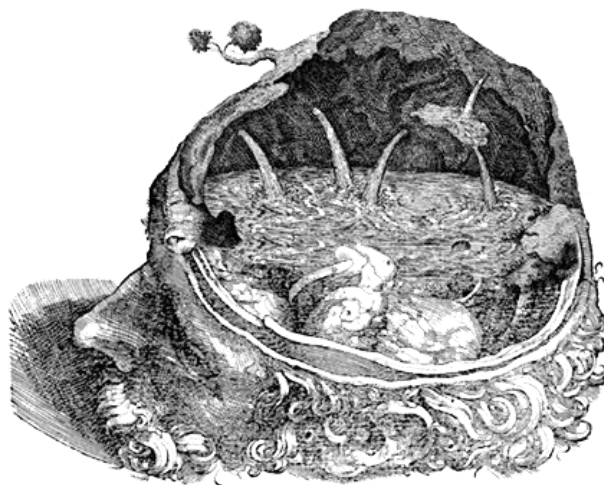
اصل مهمی که بیکن به آن اشاره کرد این بود که ذهن برای درست اندیشیدن محدودیت‌هایی دارد که ما باید این محدودیتها را شناسایی کنیم تا با برطرف کردن آنها بتوانیم درست فکر کنیم او شرط لازم برای درست اندیشیدن و شناخت جهان را در این می داند که ذهن را از این نارسایی ها و محدودیتها و گرفتاری هایی که دارد نجات دهد. او به نو اندیشی توجه ویژه داشت.

## بت‌های طایفه‌ای:

بت‌های قبیله همان منابع اشتباه است که جزو ذات بشر هستند. انسان از آن رو که انسان است به این خطاها دچار است. اینکه افراد عجولانه در جهت نظم بخشیدن و کلی‌نگری تمایل دارد. بسیاری از افراد از تجربیات تصادفی تاثیر می‌پذیرند و نه مشاهداتی همراه با صبر و حوصله. حواس انسان فریب دهنده و بر پایه احساسات و عواطف بنا شده است.

# بتهای غار:

بتهای غار خطاهای فکری انسان هستند به خاطر پرورش یافتن در جامعه ای خاص. در اینجا ذهن انسان گرفتار تجارب محیطی خودش می شود. خرافات و باورهایی که منحصر به یک قوم است در این گروه جای می گیرد.



**IDOLS** *of the* **CAVE**

## بتهای بازاری:

به ناتوانی زبانی برای بیان درست افکار و برقراری ارتباط اشاره دارد. عرصه زبان و تفکر پدیده‌های اجتماعی است، تجربه شخصی، پدیده‌های خصوصی است به همین دلیل ما نمی‌توانیم تجربه‌های شخصی خود را از طریق آنها بیان کنیم؛ و این موانع عظیمی در راه ذهن ایجاد می‌کند.

پیروی از سنت، چنانچه در دوران طولانی از فلسفه ارسطو پیروی می‌شود. این بت‌ها همان پیروی است. سالهای طولانی از ارسطو بعنوان یک مرجع پیروی کورکورانه می‌شد و بیکن معتقد است بجای این پیروی، باید در کتاب طبیعت موشکافی کرد. برخی اندیشه‌ها یا نظام‌های فلسفی و اعتقادی، به واسطه‌ی عقاید گذشتگان، یا بزرگی نقال، در ذهن ما رخنه کرده‌است؛ که می‌تواند آمیخته به خطاهای خرافی، تجربی و حتی عقلی باشد.

## نتیجه گیری:

از نظر بیکن ارزش و توجیه دانش و معرفت در کاربرد و استفاده عملی از آن است. بیکن نقش واقعی دانش را در توسعه حاکمیت آدمی بر طبیعت و قوانین آن و کشف اصرار طبیعت و قدرت یافتن بر عمل در جهت سود رسانی به بشر دانسته و نحوه دست یابی به چنین عملی را از طریق حس و استدلال و عقل و به ویژه استقرا تلقی می نمود و چنین شناختی را مصداق علم می دانست. او خطاهایی را تحت عنوان بت در این راه شناسایی کرد و معتقد بود که باید علم را از چنین خطاها و موانعی حفظ کرد، تا ذهن به صورت آینه صاف و همواری واقعیت را آنچنان که هست نشان دهد.





## منابع

- پویمن، لوئیس پی، **معرفت شناسی: مقدمه ای بر نظریه شناخت**، ترجمه رضا محمد زاده، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۷
- جهانگیری، محسن، **احوال و آثار و آرای فرانسیس بیکن**، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶
- راسل، برتراند، **تاریخ فلسفه غرب**، مترجم: نجف دریابندری، تهران، انتشارات پرواز، ۱۳۷۳
- شایگان، داریوش، **بت های ذهنی و خاطره ازلی**، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۹
- فروغی، محمد علی، **سیر حکمت در اروپا**، تهران، انتشارات هرمس، ۱۳۸۸